

## بررسی ساختار طبقات روستایی در استان فارس بعد از انقلاب

عبدالعلی لهسایی زاده<sup>۱\*</sup>، ماندانا کریمی<sup>۲</sup>، ریحانه شاه‌ولی<sup>۲</sup>

۱- استاد بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز

۲- کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه شیراز

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی ساختار طبقاتی روستایی در استان فارس بعد از انقلاب پرداخته است. برای این منظور تعداد ۲۵ روستا در استان از طریق تحقیقات میدانی و پیمایشی مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های عینی برای بررسی طبقات و اقشار مختلف در نظر گرفته شد، لذا یافته‌ها نشان داده که روستاهای این استان دارای طبقات عمده تولیدکنندگان مستقل روستایی، کارگران روستایی و زمین‌داران روستایی هستند. طبقات سنتی در روستاهای این استان هنوز وجود دارد و طبقه سرمایه‌داران روستایی بسیار کم‌رنگ است. چندپایگامی در روستاهای این استان بسیار رواج دارد.

**واژه‌های کلیدی:** طبقات روستایی، استان فارس، چند پایگامی.

## مقدمه

ارایه تعریف روستا، به نحوی که ممیز آن از شهر باشد، با مشکلاتی مواجه است. گاهی در تعریف روستا می‌گویند «روستا جایی است که شهر نیست». ولی همین تعریف ظاهراً ساده و کوتاه، ابتدا مستلزم ارایه تعریف شهر است. تعریف شهر و یا روستا ممیز این دو مرکز جمعیتی است. ملاک‌ها و شاخص‌های مختلفی برای تعریف روستا به کار برده شده‌اند. یکی از ملاک‌ها تعداد جمعیت است. در ایران تا قبل از سال ۱۳۶۵ رقم ۵۰۰۰ نفر و در سرشماری سال ۱۳۶۵، رقم ده هزار نفر را واحد حداکثر جمعیت روستا قرار داده‌اند. ملاک جمعیتی به رغم سهولت کاربرد آن در مطالعات مربوط به برنامه ریزی و محاسبات آماری و ...، از لحاظ شمول به کلیه نقاط کم جمعیت و دارای خانواده‌های غیرفعال در امر کشاورزی، مشکلاتی را پدید می‌آورد. مثلاً وجود یک واحد صنعتی در خارج از شهر، نمی‌تواند یک روستا محسوب شود. از طرف دیگر ملاک مزبور تصور درستی از محتوای فضای مورد نظر و اجتماع انسانی آن به دست نمی‌دهد (طالب، ۱۳۸۷).

ملاک بعدی فضای روستایی است. در این مفهوم، به جای تکیه بر انسان‌های ساکن در روستا، یعنی «اجتماع» یا «جامعه»، روستایی، روی وسعتی از فضا تکیه دارند که در آن مسایل مختلف مثل ویژگی‌های طبیعی، جغرافیایی، جمعیتی، سکونتی، ارضی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند. استفاده از واژه فضا از سال‌های بعد از پایان جنگ جهانی دوم، بعد از عدم تعادل نامناسبی که بین شهر و روستا آغاز شد، به جای واژه روستا معمول گردید. روحیه منطقه‌گرایی و عدم تمرکزی که در پاسخ به نابسامانی‌های ناشی از توسعه بی‌رویه شهرها پدید آمده بود، باعث شد تا واژه فضای روستایی را در مقابل فضای شهری، برای ایجاد تعادل جدید به کار برند (طالب، ۱۳۸۷).

ملاک‌های دیگر، از قبیل: نوع رابطه بین انسان‌های ساکن در یک محیط جغرافیایی، وجود تعدادی جمعیت که دارای ارزش‌های اجتماعی کم و بیش یکسانی هستند و ارتباط شخصی مستمری دارند، به نحوی که منجر به ایجاد روابط چهره به چهره و از نوع روابط اولیه می‌گردند، بیان شده است (طالب، ۱۳۸۷).

مرکز آمار ایران با اعلام نتایج قطعی هفتمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور که در آبان سال ۹۰ انجام شد، بیان کرد که جمعیت کشور از ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ به ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده که از این رقم ۲۸/۵ درصد روستایی و ۷۱/۴ درصد شهری تشکیل می‌دهند. آمار نشان می‌دهد که روند شهرنشینی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ شروع شده است. در سال ۱۳۵۹ جمعیت کشور ۵۰-۵۰ در شهر و روستا وجود داشت، از آن پس روند به سمت شهرنشینی افزایش یافته به طوری که در حال حاضر ۲۸ درصد روستایی و ۷۲ درصد شهری هستند (سایت تحلیل خبری عصر ایران ۳ مرداد ۹۱).

استان فارس یکی از ۳۱ استان ایران است که در بخش جنوبی این کشور واقع شده است. آب و هوای استان فارس در نقاط مختلف این استان به سه دسته کوهستانی، معتدل و گرم تقسیم می‌شود. این استان با مساحتی در حدود ۶۰۸ ۱۲۲ کیلومتر مربع و با جمعیتی معادل ۴ ۵۲۸ ۵۱۳ نفر، بر طبق برآورد جمعیتی سال ۱۳۸۹ خورشیدی سازمان ملی آمار ایران، چهارمین استان پرجمعیت ایران به شمار می‌رود. بر اساس تقسیمات کشوری اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ خورشیدی، استان فارس به ۲۹ شهرستان، ۹۴ شهر، ۸۳ بخش و ۲۰۴ دهستان تقسیم شده است (دانشنامه ویکی‌پدیا).

شکل‌گیری زندگی روستایی در فارس از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. پراکندگی و استقرار روستاهای استان فارس تحت تأثیر عوامل طبیعی مانند آب و هوا، ناهمواری‌ها، نوع خاک و نیز عوامل انسانی مانند نوع معیشت، تعداد روستاها و جمعیت آن‌ها بوده است. اگر از مناطق معتدل خشک به این استان نزدیک شویم، فاصله روستاها از یکدیگر زیادتر شده و جمعیت آن‌ها کم تر می‌شود. مسکن روستایی در استان فارس تحت تأثیر عوامل اقلیمی، جغرافیایی و وضعیت اقتصادی شکل گرفته است. بیش تر روستاهای استان فارس از نظر شکل، متمرکز و مجتمع‌اند. در این سکونتگاه‌ها، خانه‌های روستایی به یکدیگر چسبیده‌اند و بدون فاصله در کنار هم قرار دارند. مزارع از خانه‌ها جدا هستند و فاصله ی یک روستا با روستای دیگر، زیاد است. مهمترین دلیل این شکل‌گیری محدود بودن منابع آب است. بسیاری از روستاها نیز برای امنیت و دفاع از خود و حفظ آب و مزارع به صورت مجتمع و متمرکز درآمده‌اند. روستاهای فارس را می‌توان به دو دسته روستاهای واقع در دشت و روستاهای

کوهستانی طبقه بندی کرد. تعداد، وسعت و جمعیت روستاهای دشتی بیش تر از روستاهای کوهستانی است.

ساختار اجتماعی روستایی بر اساس شکل بندی اجتماعی جامعه و روابط اجتماعی<sup>۵</sup> اقتصادی موجود بین طبقات و اقشار مختلف است. در چارچوب این شکل بندی یک نظام خویشاوندی ایجاد می گردد که بر روابط اجتماعی تأثیر زیادی دارد و در بسیاری موارد تعیین کننده می شود. برای شناخت صحیح و علمی ساختار اجتماعی باید ابتدا طبقات و اقشار مختلف را مشخص کرد و سپس چگونگی رابطه بین آنها را تشریح نمود. چون در جامعه روستایی، نظام خویشاوندی ارتباطی تنگاتنگ با قشر بندی اجتماعی دارد، ضمن تشریح این نظام باید چگونگی پیوند آن را با طبقات و لایه های اجتماعی بیان کرد.

ساختار اجتماعی جامعه روستایی پدیده ای ثابت نیست و دائم در حال تغییر و تحول است. این تغییر و تحول تحت تأثیر عوامل گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی حاصل می گردد. در ارتباط با هر جامعه ای باید این عوامل معین گردند. یکی از عوامل بسیار مهم منشعب از عامل اقتصادی مهاجرت است که ساختار اجتماعی را دگرگون می کند. مهاجرت از روستا تحت تأثیر عوامل مختلفی است، اما مهاجرت جمعی و در سطح قابل توجه از روستا به شهر یا به کشوری دیگر عمدتاً در اثر توسعه ناموزونی است که در کشورهای جهان سوم حاکم است. در این کشورها توجه به شهرها و به فراموشی سپردن روستاها باعث می شود که روستاها به شهرها وابسته گردند و لذا فقر روزافزون روستایی در همه زمینه ها روستاییان را مجبور به مهاجرت کند. مهاجرت روستایی فرایندی است برای رهایی از فلاکت روستایی و مهاجر تلاشگری است برای بازیابی زندگی. در این راستا موفقیت مهاجر بستگی به جامعه مقصد، مبدأ و میزان تلاش او دارد. در اثر مهاجرت و گسترش روابط با سایر جوامع در سطح کلان، ساختار اجتماعی روستایی در جهان سوم تغییر شکل داده و به هیأتی جدید در می آید. در اثر مهاجرت، دیگر از یک روستای بسته نمی توان سخن به میان آورد. قشر بندی اجتماعی و نظام خویشاوندی ابعادی جدید به خود می گیرند به گونه ای که نظام جدید دارای دو بعد خرد و کلان می گردد (لهسایی زاده و سلامی، ۱۳۸۰).

تاریخ قرن بیستم جهان نمایانگر آن است که کشورهایی که در آنها انقلاب رخ داده است نسبت به ساختار روستایی خود واکنش‌های متفاوتی نشان داده‌اند. در واقع تفاوت‌ها ناشی از نوع ایدئولوژی است که بر انقلاب‌ها حاکم بوده است. در خلال قرن بیستم تمام کشورهای پیرامونی که انقلاب کرده‌اند، توزیع مجدد زمین‌های کشاورزی را یا از طریق جنبش‌های دهقانی و یا از طریق اصلاحات ارضی دولتی به اجرا در آورده‌اند. نتایج این توزیع مجدد زمین‌های کشاورزی تغییرات در ساختار روستایی بوده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲).

ساختار اجتماعی جهان معاصر نشان داده است که سرمایه داری یک نظام جهانی است و در نتیجه یک فرآیند واحد اقتصادی در سطح جهانی در حال عمل است. پس واضح است که اقتصاد کشورهای پیرامونی در نظام سرمایه داری جهانی ادغام است. بنابراین، هر تغییری در رابطه با تولید در کشورهای پیرامونی توسط روابط سرمایه داری در سطح جهان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بسیاری از تغییرات روستایی در کشورهای پیرامونی که انقلابی در آنها اتفاق افتاده بر مبنای تجربه‌های انقلابی متفاوت است و در اغلب این کشورها، روابط سرمایه داری مجدداً رواج پیدا می‌کند. ممکن است در مراحل اولیه انقلاب حتی با روابط سرمایه داری و گسترش آن در جوامع زراعی مخالفت شود، اما تجربه انقلابات مختلف نشان داده است که پس از گذشت چند سال مجدداً روابط سرمایه داری در بخش روستایی و زراعی رواج می‌یابد. در دوران پس از انقلاب در ایران، تغییرات زیادی در اقتصاد و روابط اجتماعی روستایی اتفاق افتاد. نیاز عینی به برپاداری یک جامعه خودکفا از لحاظ کشاورزی، لزوم اصلاحات ارضی مجدد را نمایان ساخت تا بر مبنای آن روابط تولید زراعی عوض شود. در همین رابطه قسمتی از واحدهای زراعی سرمایه داری از بین رفتند و مالکیت جمعی بر زمین‌های زراعی (مشاع‌ها) در اقصی نقاط ایران ظاهر شد. اما از سوی دیگر، بسیاری از مزارع کشاورزی سرمایه داری در دست مالکان قبلی آنها باقی ماند. با وجود نقش بالقوه بخش زراعی در توسعه روستایی ایران، این بخش پس از انقلاب به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفت و در نتیجه نتوانست نقش خود را در جذب نیروی انسانی مازاد کشاورزی ایفا کند. هدف مقاله حاضر این است که نشان دهد چگونه تحت تأثیر انقلاب ساختار اجتماعی و به ویژه ساختار طبقاتی در روستاهای استان فارس تغییر کرده است و الگوی حاکم بر ساختار روستایی در حال حاضر

چگونه است.

## مروری بر تحقیقات پیشین

جامعه روستایی و کشاورزی ایران همیشه مورد توجه خاص پژوهشگران اجتماعی بوده است. پژوهشگران از رشته‌های مختلف (جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، اقتصاد کشاورزی، تاریخ و ...) جامعه کشاورزی ایران را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و هر یک بر اساس فرض‌های مشخصی مسایل آن را نمایان کرده‌اند. با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و پیش آمدن مسأله زمین‌های زراعی، جامعه روستایی ایران دوباره توجه پژوهشگران اجتماعی را به خود جلب کرده است. در همین راستا، مطالعاتی در مورد جامعه روستایی ایران بعد از انقلاب توسط پژوهشگران داخلی و خارجی انجام گرفته که بررسی محتوای آن‌ها، ما را به اهمیت موضوع واقف می‌کند. در اینجا آن دسته از مطالعاتی را بررسی می‌کنیم که نسبتاً از کیفیت بالایی برخوردار هستند و تقریباً نویسندگان آن‌ها در زمینه جامعه روستایی ایران صاحب نظر هستند.

یکی از اولین بررسی‌ها در مورد جامعه روستایی و کشاورزی ایران بعد از انقلاب، کتاب اریک هوگلند<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) تحت عنوان "زمین و انقلاب در ایران، ۱۹۸۰-۱۹۶۰" است. هوگلند در آخرین فصل کتابش «روستا و انقلاب»، در پی اثبات این فرض است که چرا در حالی که روستاییان در اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ زمین دریافت کردند، اما در جریان انقلاب از شاه پشتیبانی نمودند. هوگلند سه گرایش در بین روستاییان در دوره انقلاب ملاحظه کرده است: ۱. پشتیبانی از رژیم؛ ۲. ضدیت با رژیم؛ و ۳. بی‌طرفی. از نظر او دو گروه اول در اقلیت بوده‌اند و گروه سوم شامل اکثریت قریب به اتفاق روستاییان می‌شد. به عبارت دیگر او معتقد است که روستاییان در ابتدای انقلاب نه پشتیبانی و نه ضدیت با انقلاب داشتند. اما با اوج گرفتن مبارزات انقلابی و مسلم شدن پیروزی انقلاب، اقلیتی که عمدتاً از گروه‌های نخبگان روستایی (به خصوص دهقانان متوسط الحال و خوش‌نشینان) بودند، توانستند روستاییان را در جهت انقلاب به حرکت درآورند.

1 Eric J. Hooglands

از نظر هوگلند حرکت انقلابی روستاییان عمدتاً شامل خلع ید نمودن زمینداران بزرگ بوده است. از آنجایی که تحقیق هوگلند در مورد سال‌های اول انقلاب اسلامی است، او اظهار می‌کند که نمی‌توان الگوی چگونگی تقسیم زمین‌های مصادره‌ای را ترسیم کرد، اما معتقد است که حکومت انقلابی باید یک خط مشی مشخصی برای زمین‌های مصادره‌ای داشته باشد تا از طریق آن از خرد شدن و غیر اقتصادی شدن زمین‌ها جلوگیری نماید و در ضمن اعتماد آن دسته از روستاییان که این زمین‌ها را مصادره کرده‌اند جلب نماید. به طور کلی برخورد هوگلند با جامعه کشاورزی بعد از انقلاب بیشتر یک بررسی از دیدگاه علوم سیاسی است و چون از یک طرف وضعیت جامعه روستایی قبل از انقلاب را در فصول قبلی کتاب خود بررسی کرده، و از طرف دیگر در زمان تحقیق هنوز مدت زیادی از انقلاب نگذشته، لذا به بررسی مجدد جامعه کشاورزی نمی‌پردازد.

یکی دیگر از تحقیقات اولیه در مورد جامعه زراعی ایران بعد از انقلاب، توسط احمد اشرف (۱۳۶۱)، در مقاله مفصل خود تحت عنوان "دهقانان، زمین و انقلاب" انجام گرفته که نویسنده پس از ارایه ساختار جامعه زراعی در ایران قبل از انقلاب، مسأله درگیری‌های ارضی و دهقانی در دوران انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. وی در بخش پایانی مقاله خود از سه نوع نظام بهره برداری به شرح زیر اشاره می‌کند: کمتر از ۱۰ هکتار، از ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار و ۵۰ هکتار و بیشتر. سپس رابطه هر نظام بهره برداری را با مسأله تقسیم زمین بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که از یک سو با افزوده شدن اراضی بزرگ مصادره شده به اراضی دولتی، بخش دولتی به طور قابل ملاحظه‌ای در نظام تولید کشاورزی تقویت شده و از سوی دیگر با از میان رفتن بزرگ مالکان و تضعیف مالکان متوسط، موقعیت دهقانان مرفه در روستاها تحکیم شده است.

مقاله اشرف گرچه اشاره‌ای مختصر به سازمان‌های بهره برداری دهقانی در کنار واحدهای بزرگ تجاری-دولتی دارد، اما وضعیت آنها را پس از انقلاب مورد بررسی قرار نمی‌دهد. بدون شک قشر بندی اجتماعی این نظام‌های بهره برداری تحت تأثیر تحولات اجتماعی در روستاها تغییر کرده است که ترسیم چگونگی روند تغییرات آنها به شناخت هرچه علمی تر جامعه زراعی ایران کمک خواهد کرد. پیش بینی اشرف در مورد وضعیت جامعه زراعی ایران،

مبنی بر اینکه پس از انقلاب سرمایه داری خصوصی رو به زوال رفته و سرمایه داری دولتی در حال جایگزینی آن است، با تغییرات اخیر در جامعه کشاورزی ایران منطبق نیست. با تمام فشاری که روابط سرمایه داری بر نظام‌های زراعی ماقبل خود گذارده است، نظام‌های بهره برداری سهم بری و اجاره داری ثابت در حدی محدود به زندگانی خود ادامه می‌دهند. این نظام‌های بهره برداری توانسته‌اند با تولید در زمینه‌هایی خاص در جامعه زراعی ایران به صورت همجواری با نظام سرمایه داری به سر ببرند. نظام‌های بهره برداری با بکارگیری افراد در این نظام‌ها توانسته است هم به بازتولید خود و هم به بازتولید نظام‌های ماقبل خود کمک نماید. نتیجه همجواری نظام‌های بهره برداری متفاوت در جامعه زراعی ایران به وجود آمدن ساختار قشربندی چند قطبی متشکل از طبقات زراعی مختلف است. تعدادی از این طبقات (سرمایه داران زراعی، کارگران زراعی و دهقانان مستقل) در موقعیت‌های طبقاتی مشخص قرار دارند، در حالی که سایر طبقات (زمینداران، دهقانان استخدام کننده کوچک، مستأجران، سهم بران، مدیران کشاورزی و کشاورزان چند پایگاهی) در موقعیت‌های طبقاتی متضاد قرار گرفته‌اند. آنچه در ساختار قشربندی اجتماعی-زراعی ایران در حال حاضر جلب توجه می‌نماید، وجود کشاورزان چند پایگاهی است که در واقع از ترکیب موقعیت‌های طبقاتی مختلف به وجود آمده و مکانیزمی برای انطباق و سازگاری هرچه بیشتر نظام‌های غیرسرمایه داری در نظام سرمایه داری است.

شکل بندی نظام‌های بهره برداری زراعی و قشربندی اجتماعی منتج از آن شکلی خاص از مهاجرت در جامعه زراعی ایران به وجود آورده است. از یک طرف نیروی کار اضافی در بعضی از نظام‌های زراعی از روستاها خارج می‌شوند و مقصد آن‌ها عمدتاً شهرهاست؛ و از طرف دیگر سایر نظام‌های زراعی نیاز به نیروی کار کشاورزی دارند و به علتی که در منطقه خود این نیروی اضافی یا وجود ندارد و یا وجود دارد اما قادر به جذب آن‌ها نیستند، مجبورند از کارگران مهاجر سایر روستاها استفاده نمایند. این روند باعث شده تا روستاهای ایران در حال حاضر هم مهاجر فرست و هم مهاجر پذیر باشند که البته بدون شک میزان مهاجر فرستی روستاها بیش از مهاجر پذیری آن‌هاست (لهسایی زاده، ۱۳۷۲).



## طبقات اجتماعی در روستاهای ایران پس از انقلاب

بحث پیرامون طبقات و اقشار اجتماعی، در جامعه شناسی جایگاه خاصی دارد. جامعه شناسان دیدگاه‌های متفاوت، معیارهای گوناگونی را برای تعریف طبقه اجتماعی و تقسیمات آن به کار گرفته‌اند. از آنجا که جوامع روستایی، بخش مهمی از جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند، قسمتی از بحث‌های طبقه بندی و قشر بندی اجتماعی، به این جوامع اختصاص یافته است. در ایران، بررسی در خصوص طبقات روستایی، همیشه مورد توجه خاص جامعه شناسان بوده است. در پژوهش‌های جامعه شناسان پیرامون طبقات اجتماعی روستایی، با یک تقسیم بندی دوره‌ای واحد رو به رو می‌شویم که در آن سعی شده طبقات اجتماعی را در دوره پیش از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ و پس از اصلاحات ارضی بیان کنند.

در اغلب پژوهش‌های طبقاتی انجام شده، ساختار طبقاتی قبل از اصلاحات ارضی به صورت یک ساختار طبقاتی سلسله مراتب ترسیم شده که نمایانگر واقعیت طبقاتی موجود در آن دوره و دقیقاً بر اساس معیارهای عینی همخوان با نظریه‌های اجتماعی بوده است. از سوی دیگر، بر اثر انجام اصلاحات ارضی و دیگر برنامه‌های تکمیلی آن، ساختار طبقاتی روستایی به گونه‌ای تغییر می‌کند که توجه جامعه شناسان روستایی را به خود جلب و متفقا تصویری نسبتاً یکسان از طرح طبقاتی بر پایه دو قطبی در حال شکل گیری عرضه می‌کنند.

با رخداد انقلاب ۱۳۵۷، بر اثر تغییر و تحولاتی که در جوامع روستایی ایران به وجود آمد، ساختار طبقاتی روستایی دستخوش دگرگونی شد. جامعه روستایی، هم از درون تحرک‌هایی را تجربه کرد و هم از بیرون تحت تأثیر جوامع شهری تحولاتی را تحمل نمود. اصل این تغییر و تحولات، شکل جدیدی از ساختار طبقاتی را به وجود آورده که بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. البته تا کنون بررسی‌هایی پیرامون طبقات اجتماعی در بخش‌هایی از جوامع روستایی ایران (برای نمونه بخش کشاورزی) صورت گرفته که به علت در بر نگرفتن تمام طبقات و اقشار اجتماعی روستایی، لازم شد تا یک تصویر جامع طبقاتی در مورد کلیه بخش‌های جوامع روستایی عرضه گردد. در این تصویر سعی شده است یک بحث مفهومی و نظری عینی منطبق با واقعیت‌های کنونی جوامع روستایی عرضه گردد تا راهنمای پژوهش‌های میدانی و پیمایشی روستایی باشد.

## شاخص‌های عینی طبقه بندی اجتماعی

جامعه‌شناسان تعاریف گوناگونی را برای طبقه اجتماعی به کار برده‌اند که برخی براساس سنجه‌های ذهنی و برخی دیگر بر پایه سنجه‌های عینی بوده است. در یک تعریف کلی از طبقه اجتماعی بر اساس سنجه‌های عینی می‌توان چنین بیان کرد که: «یک طبقه اجتماعی، تشکیل شده است از افرادی که دارای توانایی‌های مشابه‌ای برای به دست آوردن موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی یکسانی هستند».

برای به دست آوردن موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی یکسان از چهار سنجه عینی مالکیت بر وسایل تولیدی، خریداری نیروی کار، فروشندگی نیروی کار و بالاخره تولید ارزش اضافی، استفاده شده است. در واقع در اینجا می‌خواهیم معین کنیم که افراد دارای توانایی‌های مشابه چگونه به منابع کمیاب اقتصادی-اجتماعی دسترسی پیدا می‌کنند و برای این منظور چگونه از دیگران استفاده می‌کنند و یا برعکس، خود نیز تحت کنترل دیگران قرار می‌گیرند و یا اینکه اصولاً نه تحت سلطه کسی واقع می‌شوند و نه جهت رسیدن به منابع کمیاب کسی را کنترل می‌کنند. ضمناً باید دید که افراد به طور مستقیم چه نقشی در تولید ارزش اضافی در جامعه دارند. بنابراین، طبقه اجتماعی از افرادی تشکیل شده است که با توجه به سنجه‌های چهارگانه، در یکی از طبقات اجتماعی قرار می‌گیرند.

در جوامع انتقالی، با معجونی از نظام‌های پیش سرمایه داری و سرمایه داری رو به رو هستیم. همین امر باعث گردیده است تا طبقات سنتی در جوار طبقات نوین وجود داشته باشند و ضمناً بتوان براساس سنجه‌های چهارگانه مشابه، آن‌ها را از یکدیگر تشخیص داد. در جدول زیر ۸ طبقه اجتماعی مشخص در رابطه با نظام‌های سنتی و نوین ارایه شده که موقعیت هر طبقه براساس سنجه‌های چهارگانه روشن است. در این جدول، سرمایه داران هم مالک وسایل تولیدند و هم خریدار نیروی کار هستند. سرپرستان (مدیران، کارشناسان و کارمندان)، صرفاً فروشنده نیروی کار خود هستند. کارگران علاوه بر این که فروشنده نیروی کار خود هستند، از عوامل اصلی تولید ارزش اضافی در جامعه هستند. تولیدکنندگان مستقل، هم مالک وسایل تولیدی خود هستند و هم تولید ارزش اضافی می‌نمایند. استخدام کنندگان محدود، مالکیت بر وسایل تولیدی خود دارند، نیروی کار محدودی را استخدام می‌کنند و چون خود کار

می‌کنند، پس بنابراین تولیدکننده ارزش اضافی هم هستند. زمین داران، صرفاً مالک وسایل تولیدی (آن هم تنها زمین) هستند. مستأجران، مالک بخشی از وسایل تولیدی (غیر از زمین) خود هستند و به علتی که خود نیز کار می‌کنند، تولیدکننده ارزش اضافی هم هستند. سهم بران هم نیز مالک بخشی از وسایل تولیدی خود هستند، و از سوی دیگر در مقابل نیروی کاری که عرضه می‌کنند، سهم دریافتی آنها در واقع به نوعی دستمزد جنسی است و بالاخره تولید ارزش اضافی نیز می‌نمایند. آنچه در جوامع انتقالی معاصر جلب توجه می‌نماید، وجود افراد چندپایگاهی است. از مجموعه دو و یا چند پایگاه طبقاتی اشغال شده توسط افراد، طبقات چند پایگاهی به وجود می‌آید که افراد می‌توانند هم مالک وسیله تولیدی باشند و هم فاقد آن، هم خریدار نیروی کار باشند و یا اینکه برای خود کار کنند و بالاخره هم تولید ارزش اضافی بنمایند و هم این که تولیدکننده ارزش اضافی نباشند. این حالات بستگی به نوع ترکیب طبقاتی شخص دارد. به هر جهت موقعیت چند پایگاهی روز به روز در حال افزایش است و از میزان خالصی پایگاه‌های طبقاتی می‌کاهد و امر آمارگیری‌های طبقاتی را با مشکل رو به رو می‌سازد (لهسایی زاده، ۱۳۸۲).

### جدول ۱- شاخص‌های عینی چهارگانه طبقات اجتماعی

طبقه اجتماعی	مالکیت وسایل تولید	خریداری نیروی کار	فروشنده‌گی نیروی کار	تولید ارزش اضافی
سرمایه داران	+	+	-	-
سرپرستان	-	-	+	-
کارگران	-	-	+	+
تولید کنندگان مستقل	+	-	-	+
استخدام کنندگان محدود	+	+	-	+
زمین داران	+	-	-	-
مستأجران	ع	-	-	+
سهم بران	ع	-	+	+
چند پایگاهی‌ها	ع	ع	ع	ع

## طبقات و اقشار روستایی در ایران معاصر

در اثر تغییرات و تحولات ناشی از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ساختار طبقاتی جوامع روستایی در ایران به شکل شطرنجی در آمده است. در این ساختار با ۸ طبقه مشخص به شرح زیر رو به رو هستیم: ۱- سرمایه داران روستایی؛ ۲- سرپرستان روستایی؛ ۳- کارگران روستایی؛ ۴- تولیدکنندگان مستقل روستایی؛ ۵- استخدام کنندگان محدود روستایی؛ ۶- زمین داران روستایی؛ ۷- مستأجران روستایی؛ ۸- سهم بران روستایی. در اثر ترکیب طبقات روستایی با یکدیگر، یک موقعیت «چندپایگاهی» نیز وجود دارد. ضمناً دو گروه اجتماعی «شبه طبقه» در روستاهای ایران وجود دارند که خارج از طرح طبقاتی هستند. این دو گروه عبارتند از: «وابستگان» و «انگل‌ها». هر طبقه اجتماعی، در حال حاضر از ۴ قشر تشکیل شده است. نمودار زیر موقعیت طبقات هشتگانه و اقشار داخلی آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر و در رابطه با موقعیت چندپایگاهی نشان داده است. موقعیت‌های چندپایگاهی می‌تواند با ساختار طبقاتی شهری پیوند داشته باشند (لهسایی زاده، ۱۳۸۲).

## سرمایه داران روستایی

سرمایه داران روستایی گروه اجتماعی هستند که صاحب ابزار و وسایل تولیدی هستند و ۵ نفر کارگر و بیشتر را در استخدام خود دارند. این افراد لزوماً در روستاها زندگی نمی‌کنند. اقشار چهارگانه سرمایه داران روستایی عبارتند از: ۱- دهقانان سرمایه دار ۲- سرمایه داران کشاورزی ۳- سرمایه داران صنعتی ۴- سرمایه داران خدماتی.

«دهقان سرمایه دار» یک روستایی است که مقدار زمین در تملکش به اندازه‌ای است که برای کشت و زرع آن نیاز به حداقل ۵ کارگر کشاورزی دارد. معمولاً مدیریت مزرعه با خود اوست و از کلیه هنجارهای سرمایه داری استفاده می‌کند. کشت محصولاتش به صورت تجاری و تخصصی است و از ماشین آلات و نهاده‌های کشاورزی در سطح مناسبی استفاده می‌کند. محل سکونت او روستاست و اصولاً شخص نوآور است و از اصول ترویجی استفاده می‌کند. بعضی از آن‌ها، دامداری را با کشاورزی توأم نموده بر میزان منفعت خود می‌افزایند.

«سرمایه داران کشاورزی» صاحبان شرکت‌های کشاورزی و شرکت‌های کشت و صنعت هستند. دارای کشت کاملاً مکانیزه بوده و به صورت تخصصی تولید می‌کنند. مدیریت مزرعه معمولاً با اشخاص کارشناس کشاورزی بوده و کارگران به استخدام درآمده به صورت کارگران کشاورزی و غیر کشاورزی هستند. در این گونه مزارع، مهندسان و تکنسین‌های کشاورزی مشغول به کار هستند. در این مزارع سعی می‌شود از آخرین شیوه‌های کشاورزی استفاده شود و بکارگیری آبیاری تحت فشار از سیستم‌های رایج آبیاری است. این سرمایه داران در شهرها زندگی می‌کنند و بسیاری از مؤسسات اقتصادی شهری در سرمایه گذاری کشاورزی با آن‌ها شریک هستند. بعضی مواقع، مؤسسات نقش سرمایه داران کشاورزی را بازی می‌کنند (برای نمونه بانک‌ها).



نمودار ۱- طرح طبقاتی در روستاهای ایران

در روستاهای ایران صناعی مستقر است که صاحبان آنها در شهرها زندگی می‌کنند ولی در اصل «سرمایه داران صنعتی» روستایی به حساب می‌آیند. کارگاه‌های این سرمایه داران به شکل‌های متفاوتی وجود دارند که افراد به استخدام درآمده در آنها یا از روستاییان هستند و یا افرادی هستند که از شهرها به روستاها می‌آیند و صرفاً محل کارشان در روستا است. برخی از این کارگاه‌ها، به اقتصاد روستا کمک می‌کنند (برای نمونه کارگاه‌های قالبی بافی)، اما بسیاری از این کارگاه‌ها و یا کارخانجات، منفعت‌های به دست آمده را به سمت شهرها جهت می‌دهند و روستاییان تنها نامی از آن صنعت را برای روستای خود یدک می‌کنند.

بالاخره باید از «سرمایه داران خدماتی» در روستاهای ایران نام برد. این واحدهای اقتصادی، معمولاً به ارائه خدمات مختلفی در روستاها مشغولند و صاحبان آنها کاملاً در شهرها زندگی می‌کنند. با گسترش خدمات نوین در روستاها، چنین واحدهایی در حال افزایش هستند. چنین واحدهایی را بیشتر در روستاهای پرجمعیت و بزرگ می‌توان مشاهده کرد.

### سرپرستان روستایی

با گسترش روابط سرمایه داری و بوروکراسی در روستاها، با گروه خاصی رو به رو هستیم که افراد تشکیل دهنده آن تسهیل کنندگان فرآیندهای سرمایه داری و بوروکراسی در روستاها هستند. اینان نیز از چهار قشر کاملاً مجزا و مشخص تشکیل شده‌اند: ۱- مدیران واحدهای کشاورزی؛ ۲- مدیران واحدهای صنعتی و خدماتی؛ ۳- کارشناسان؛ ۴- کارمندان.

«مدیران واحدهای کشاورزی» با گسترش شرکت‌های کشاورزی و کشت و صنعت‌ها در روستاها، به عنوان بخش مهمی از طبقه سرپرستان روستایی مطرح شده‌اند. معمولاً این مدیران، دانش مدیریت خود را در جهت افزایش تولید و بازدهی واحدهای کشاورزی صنعتی-تجاری به کار می‌گیرند. عمدتاً ساکن شهرها هستند و از دستمزد بالایی نیز برخوردارند. مدیران واحدهای کشاورزی معمولاً دارای روحیه نوآوری هستند. امروزه ادامه کار شرکت‌های کشاورزی و کشت و صنعت‌ها بدون حضور مدیران کشاورزی، کاری بس دشوار است.

معمولاً تأسیس هر واحد صنعتی بزرگ در مناطق روستایی، حضور یک «مدیر واحد صنعتی» را طلب می‌کند. امروزه در محدوده روستایی ایران، سرمایه داران شهری اقدام به

تأسیس کارگاه‌ها و یا واحدهای صنعتی نموده که در رأس آن‌ها مدیران صنعتی قرار دارند. گرچه این گونه مدیران، روستایی نیستند و کلاً هم در روستا زندگی نمی‌کنند، اما چون واحد اقتصادی آن‌ها در محدوده روستایی عمل می‌کند و به هر جهت تأثیر در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و محیط زیست روستا دارد، لذا جزو ساختار طبقاتی روستا به حساب می‌آیند.

علاوه بر مدیران واحدهای کشاورزی و صنعتی، به علت تأسیس واحدهای خدماتی نسبتاً بزرگ در برخی از روستاهای ایران، می‌توان افرادی را مشخص نمود که به عنوان «مدیران واحدهای خدماتی» مشغول انجام وظیفه هستند. البته عمده واحدهای خدماتی مربوط به بخش دولتی هستند، لذا تعداد قابل ملاحظه‌ای از این مدیران، مدیران دولتی هستند و در محدوده کاری خود در ساختار روستا تأثیر دارند.

قشر بسیار مهمی که در اقتصاد کشاورزی، صنعتی و دامداری بعضی از روستاهای ایران نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، گروه «کارشناسان» است که عمدتاً از مهندسين مختلف تشکیل شده‌اند. توسعه کشاورزی تجاری و مکانیزه از طریق شرکت‌های کشاورزی، کشت و صنعت‌ها، شرکت‌های سهامی زراعی و امثالهم، باعث بکارگیری تعداد زیادی مهندس کشاورزی در مناطق روستایی و کشاورزی ایران گردیده است. مضافاً این که تعدادی مهندس ترویج کشاورزی در محدوده کشاورزی و روستاهای ایران از طرف وزارت کشاورزی مشغول به کار هستند و گرچه ساکنان مناطق روستایی نیستند، اما به هر جهت نقش تعیین کننده‌ای در زندگی روستاییان و فرآیندهای تغییر و تحولات روستایی دارند. علاوه بر مهندسين کشاورزی، مهندسين صنایع در واحدهای صنعتی مستقر در روستاها، مشغول فعالیت هستند که طرح‌ها و نظریات آن‌ها بی تأثیر در ساختارهای روستایی نیست. بالاخره، در واحدهای پیشرفته که عمدتاً مستقر در بخش‌های روستایی هستند، کارشناسان و مهندسان دامپروری و دامپزشکی کار می‌کنند که با توجه به مسأله دامداری که جزء لاینفک زندگی اقتصادی روستایی است، تأثیر زیادی در زندگی روستاییان دارند.

با تأسیس واحدهای کشاورزی، صنعتی، خدماتی و مالی در روستاهای ایران و به بیان دیگر با گسترش هرچه بیشتر روابط سرمایه داری و بوروکراسی در روستاها، قشر «کارمندان» به تدریج از ارکان اصلی جامعه روستایی می‌گردد. امروزه شرکت‌های کشاورزی و صنعتی

مستقر در روستاها، تعدادی کارمند دفتری و اداری در روستا دارند که بعضاً در همان روستاها سکونت دارند و یا در محدوده شرکت زندگی می‌کنند. از طرف دیگر، گسترش واحدهای خدماتی (پست، تلفن، آموزش و پرورش، ...) توسط دولت، در هر روستا تعدادی از این افراد را به خدمت گمارده است. مضافاً این که توسط روابط بانکی و تأسیس شعبه‌هایی از بانک‌ها در روستاها، تعدادی کارمند بخش مالی را در روستاها مستقر نموده است. از همه مهمتر، حضور معلمان و دبیران آموزش و پرورش در صحنه زندگی روستایی است که اینان همه جزء مؤثری از زندگی و ساختار طبقاتی روستاها هستند. بالاخره باید از کارمندانی نام برد که در روستاهای نزدیک به شهرها زندگی می‌کنند و گرچه محل خدمتشان شهر است، اما به علت زندگی در روستا، نقش مهمی در زندگی روستایی دارند، و باید جزو ساختار طبقاتی روستا، مورد بررسی قرار گیرند.

### کارگران روستایی<sup>۱</sup>

کارگران روستایی یک گروه نسبتاً منسجم اجتماعی است که صاحب ابزار و وسایل تولیدی نیست و ضمناً تولیدکننده اصلی ارزش اضافی است. این طبقه پیش از اصلاحات ارضی در مناطق روستایی وجود داشته، اما با اجرای اصلاحات ارضی و با نفوذ صنعت در مناطق روستایی و گسترش واحدهای خدماتی در روستاها، در سطح گسترده تری خود را نمایان ساخته است. کارگران روستایی در حال حاضر به ۴ قشر اساسی تقسیم می‌شوند: ۱- کارگران کشاورزی؛ ۲- کارگران صنعتی؛ ۳- کارگران خدماتی؛ ۴- کارگران بی مزد خانوادگی.

کارگران کشاورزی به دو شکل کارگران سنتی (که معمولاً آن‌ها را «بازیار» یا «برزگر» می‌خوانند) و کارگران نوین در جامعه زراعی ایران مطرح هستند. بازیاران و برزگران عمدتاً در نظام‌های بهره برداری سهم ببری، اجاره داری و دهقانی مشغول به کار هستند و دستمزد خود را به صورت نقدی و برخی مواقع جنسی دریافت می‌دارند. اصولاً این گروه اجتماعی از تشکیلات کارگری برخوردار نیست و اتحاد لازم بین اعضای آن وجود ندارد. در مقابل، کارگران بخش‌های نوین کشاورزی کلاً از لحاظ موقعیتی بسیار شبیه به کارگران شهری هستند

1 Rural workers



و از امتیازات نسبتاً مشابه آنها بهره مند هستند. این کارگران در شرکت‌های کشاورزی و کشت و صنعت‌ها مشغول به کارند و مورد حمایت وزارت کار و امور اجتماعی هستند و کارفرمایان موظفند کلیه مقررات و قوانین کار و تأمین اجتماعی را در مورد آنها اعمال نمایند. کارگران کشاورزی را به لحاظی می‌توان به دو گروه «بومی» و «غیر بومی» تقسیم کرد که معمولاً در مناطقی که با کمبود نیروی کار مواجه هستند، از کارگران غیر بومی (مهاجر) استفاده می‌کنند.

«کارگران صنعتی» در روستاها را به دو گروه کارگران صنایع شهری مستقر در روستاها و کارگران صنایع روستایی تقسیم می‌کنند. از قدیم الایام در روستاهای ایران یک دسته صنایع روستایی رواج داشته که عده‌ای به صورت مزدی در این صنایع مشغول به تولید بوده‌اند (کارگران صنایع قالی، جاجیم، گلیم، ...). این گروه اجتماعی، از گروه‌های بسیار استثمار شونده روستایی در ایران بوده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد. اعضای این گروه اجتماعی بیشتر زنان روستایی تشکیل می‌دهند و صاحبان کارگاه‌ها، آنها را به عنوان شهروند درجه ۲ در نظر می‌گیرند. و به همین لحاظ مورد استثمار مضاعف قرار می‌گیرند. با استقرار و گسترش صنایع در مناطق روستایی، بسیاری از کارفرمایان به صرفه خود می‌بینند که نیروی کار را از افراد محلی استخدام کنند زیرا بسیاری از هزینه‌ها (مسکن، رفت و آمد و ...) کاهش خواهد یافت. در نتیجه تعدادی از روستاییان در مؤسسات صنعتی نوین به شکل کارگران صنایع مدرن مشغول به کار هستند که دقیقاً همچون کارگران صنایع مستقر در شهرها با آنها رفتار می‌گردد چون مشمول کلیه قوانین کار واحدهای صنایع شهری هستند.

«کارگران خدماتی» روستایی نیز به دو شکل سنتی و نوین قابل تشخیص هستند. در روستاها واحدهای خدماتی وجود دارند که به صورت سنتی عمل می‌کنند (حمام روستایی و ...) و تعداد محدودی کارگر در اختیار دارند. چوپانان مزدبگیر جزو این گروه اجتماعی هستند. این کارگران هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ وجهه اجتماعی از پایین‌ترین اقشار در ساختار طبقاتی روستایی هستند. با گسترش واحدهای اقتصادی (صنعتی، کشاورزی و خدماتی) نوین در روستاها، تعدادی کارگر خدماتی نوین از روستاها در این واحدها مشغول به کار هستند که

عمدتاً از همان روستای محل استقرار واحد اقتصادی، استخدام می‌شوند. به طور کلی وضع این گروه، از کارگران سنتی بخش خدمات نسبتاً بهتر است.

آن چه در زمینه طبقه کارگر در جامعه روستایی ایران در واقع وجود دارد اما به چشم نمی‌خورد و به دیگر سخن مرئی نیست، «کارگران بی‌مزد خانوادگی» است که بخش اعظمی از نیروی کار روستایی را تشکیل می‌دهند. اینان، زنان، دختران و پسرانی هستند که در چارچوب خانوار به تولید (محصول، کالا و خدمات) مشغولند، اما نه در آمارگیری‌های نیروی کار به حساب می‌آیند و نه در محاسبه تولید ارزش اضافی. از آنجا که سهم زنان در این بخش اقتصادی بیش از مردان است، به همین لحاظ باید مورد توجه خاص دست اندرکاران مسأله عدالت اجتماعی قرار گیرند. دختران و پسرانی که در روستاها به صورت بی‌مزد کار می‌کنند در بسیاری موارد در سنین پایین شروع به کار می‌کنند که این خود در واقع یک فرآیند استثمار مضاعف است چون این‌ها هم بی‌مزد کار می‌کنند و هم در سنین زیر سن قانونی کار، اجیر می‌شوند.

### تولیدکنندگان مستقل روستایی<sup>۱</sup>

یکی از مهمترین طبقات اجتماعی به لحاظ کمی و کیفی در جامعه کنونی و روستایی ایران، «تولیدکنندگان مستقل» هستند که در واقع نبض اقتصاد روستایی ایران را در دست دارند. این طبقه با اجرای اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، گسترش فعالیت‌های صنعتی در روستاها و نیاز به خدمات نوین در محدوده روستایی، روز به روز بر اهمیتش افزوده می‌شود. تولیدکنندگان مستقل روستایی، صاحبان واحدهای اقتصادی خود بوده و کلاً از نیروی کار خود و خانوار استفاده می‌کنند و معمولاً از نیروی کار خارج از خانوار استفاده نمی‌کنند. به طور کلی، این طبقه از ۴ قشر تشکیل شده است: ۱- دهقانان مستقل؛ ۲- اهل حرف یا صنعت گران روستایی؛ ۳- خدمات‌نچیان مستقل روستایی؛ ۴- دامداران مستقل.

«دهقانان مستقل» گروه اجتماعی هستند که صاحب قطعه زمین خود بوده و از نیروی کار خود و خانوار خود بهره می‌گیرد. معمولاً به ۳ گروه دهقان خرده پا، دهقان متوسط و دهقان

غنی تقسیم می شوند. شدیداً در رابطه با اندازه زمین تحت فشار هستند، زیرا با بزرگ شدن اعضای پسر خانوار، یا باید بر زمین فشار آورند و یا باید راه حل مهاجرت را در پیش گیرند. اینان تولیدکنندگان اصلی مواد غذایی هستند و بخشی از تولید را برای مصرف شخصی برداشته و مابقی را به بازار گسیل می دارند. در رابطه با بازار شدیداً در مبادله مورد اجحاف دکانداران، میدان داران و دلالان قرار می گیرند.

از دیرباز جامعه روستایی ایران صنعتگرانی را در خود پرورش داده که در واقع «اهل حرف» هستند و به تولید انواع کالاها و محصولات صنایع روستایی و به خصوص دستی به طور انفرادی مشغولند. تنوع مصنوعات این گروه اجتماعی به قدری زیاد است که خود تحقیقی جداگانه را طلب می کند. در این گروه اجتماعی، سهم زنان از تولید بسیار بالاست و در بعضی از کالاها، حتی صد در صد تولید در انحصار زنان است. صنعتگران روستایی، از لحاظ هنری هم در سطح بسیار بالایی قرار دارند. متأسفانه این شاغلان خودگردان از پشتیبانی های لازم برخوردار نیستند و به همین لحاظ در زمینه تأمین اجتماعی با مشکلات رو به رو هستند، در صحنه مبادلاتی با اجحاف واسطه گران دست به گریبان هستند و بالاخره از لحاظ بهداشتی و تندرستی مورد توجه چندانی واقع نمی شوند. از آن جا که سهم به سزایی در تهیه محصولات برای بازارهای داخلی و خارجی (فرش و امثالهم) دارند، لازم است که سندیکایی برای آنها تشکیل گردد تا در مقابل گروه های شهری مورد حمایت قرار گیرند.

«خدماتچیان مستقل روستایی» انواع خدمات قدیم و جدید را در روستاها به طور انفرادی عرضه می کنند. هرکس که به نوعی صاحب کار خدماتی خود باشد، در چارچوب این گروه روستایی قرار می گیرد. نمونه هایی از کارهای خدماتی قدیم روستایی، سلمانی، مامایی، تعمیرات و دلاکی است. در مقابل، کارهایی مثل دکانداری، نفت فروشی، انواع تعمیرات جدید و امثالهم جزو خدمات جدید به حساب می آیند که امروزه در روستاها در حال گسترش هستند. اخیراً روستاییانی دیده می شوند که با خودرو خودبه مسافرکشی یا بارکشی بین روستا و شهر مشغولند. اینان از همین گروه اجتماعی هستند. آنچه به عنوان پدیده ای نسبتاً جدید در زمینه کاری خدماتچیان مستقل به وجود آمده، حضور کامباین داران مستقل است که معمولاً از

خارج از روستا در مقطع زمانی خاصی در روستاها به ارایه خدمات به بخش کشاورزی مشغول هستند. این گروه اجتماعی خاص را نیز باید در ساختار طبقاتی روستا به حساب آورد. چهارمین قشر از تولیدکنندگان مستقل روستایی، «دامداران مستقل» هستند که در روستاهای ایران و به خصوص در مناطق اسکان یافته عشایری به وضوح دیده می‌شوند. اینان صاحبان آن تعداد از دام هستند که برای نگهداری آن‌ها تنها از نیروی کار خود و اعضای خانوار استفاده می‌کنند. در حال حاضر از تولیدکنندگان اصلی گوشت قرمز در کشور هستند و شدیداً تحت کنترل چوبداران (واسطه‌های فروش دام به بازار شهری) هستند. به همین لحاظ، بی‌مناسبت نیست اگر سازمان گوشت کشور، تدابیری را بیندیشد تا دست واسطه‌گران شهری را کوتاه بنماید که این امر هم به نفع دامداران مستقل و هم به نفع مصرف‌کنندگان شهری است.

### استخدام کنندگان محدود روستایی

ماهیت جامعه روستایی به گونه‌ای است که افرادی در آن وجود دارند و در زمینه‌های کشاورزی، دامداری، صنعتی و خدمات دارای واحدهای اقتصادی هستند که برای گرداندن این واحدها، ضمن این که خود و احياناً اعضای خانوار کار می‌کنند، نیاز به نیروی کار ۱ تا ۴ نفر (در طول سال و یا در دوره‌ای از سال) نیز دارند. این طبقه که در حال گسترش است شامل ۴ قشر مجزا است: ۱- دهقانان استخدام‌کننده؛ ۲- صنعتگران استخدام‌کننده؛ ۳- خدمات‌چیان استخدام‌کننده؛ ۴- دامداران استخدام‌کننده.

آن دسته از دهقانان مستقل که اندازه زمین شان آنان را مجبور می‌کند که علاوه بر نیروی کار خود و اعضای خانوار، همه ساله تعدادی کارگر اجیر نمایند، «دهقانان استخدام‌کننده محدود» نام دارند. در واقع در این گونه واحدهای کشاورزی از دو نوع کارگران مزدبگیر و کارگران بی‌مزد خانوادگی استفاده می‌شود. استفاده از این مقدار نیروی کار موقت، باعث نمی‌گردد تا این دسته از کشاورزان را سرمایه‌دار بنامیم زیرا بازدهی این واحدهای اقتصادی به انباشت سرمایه منجر نمی‌گردد. این دهقانان سعی می‌کنند تا از هنجارهای سرمایه‌داری بهره‌بگیرند، اما در بسیاری موارد، به شکل یک دهقان مستقل عمل می‌کنند.

«صنعتگران استخدام کننده محدود» دارای کارگاه‌های صنعتی هستند که تعداد محدودی کارگر را اجیر می‌کنند و به تولید کالا برای بازار روستایی یا شهری مشغول هستند. کالاهای آن‌ها عمدتاً از نوع صنایع دستی است و برای این منظور از نیروی کار زنان و کودکان استفاده می‌کنند. بهترین نمونه آن کارگاه‌های کوچک قالی بافی است.

«خدمات‌پیمان استخدام کننده محدود» روستاییانی هستند که عمدتاً در روستاهای پرجمعیت دیده می‌شوند. برای نمونه حمامی‌های روستایی یا آنان که به تعمیر انواع ادوات مشغولند و تعداد بسیار محدودی کارگر اجیر نموده‌اند، جزو این قشر به حساب می‌آیند.

هرگاه تعداد دام یک دامدار مستقل از یک حد در توان کنترل یک نفر بگذرد، دامدار مجبور است برای نگهداری، تعلیف و شیردوشی از نیروی کار غیر از خانوار خود کمک بگیرد. در چنین حالتی «دامدار استخدام کننده محدود» روستایی به وجود می‌آید که به کارگران تحت کنترل خود یا دستمزد نقدی و یا جنسی می‌دهد. این واحدها می‌توانند هم به صورت گله‌های سنتی با اجیر نمودن یک یا چند چوپان باشند و هم به صورت دامداری‌های نوین که تعدادی کارگر برای انجام عملیات خود استخدام می‌کنند.

## زمین داران روستایی<sup>۱</sup>

«زمین داران روستایی» یا «مالکان ارضی» از بقایای نظام ملکداری قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ هستند. اعضای این طبقه اجتماعی در یک دامنه وسیعی به لحاظ اندازه زمین قرار دارند. به طور کلی مالکان زمین، زمین‌های خود را یا به روستاییان اجاره می‌دهند یا به شکل سهم بری با روستاییان وارد قرارداد مزارعه می‌شوند، و یا بالاخره زمین‌های خود را در روستاها بدون کشت رها می‌کنند. زمین داران روستایی را به ۴ قشر عمده تقسیم نموده‌اند: ۱- عمده مالکان؛ ۲- مالکان متوسط؛ ۳- خرده مالکان حاضر؛ ۴- خرده مالکان غایب.

در جامعه روستایی ایران به شخصی «عمده مالک» می‌گویند که بیش از نیمی از زمین‌های یک روستا را در مالکیت خود داشته باشد. اکثر این افراد زمین‌های خود را در روستاها یا اجاره می‌دهند و یا با روستاییان به شکل سهم بری قرارداد می‌بندند. اینان عمدتاً از بازماندگان بزرگ

1 Land lords

مالکان قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ هستند. این افراد کلا در شهرها سکونت دارند اما به علتی که تأثیر زیادی بر ساختار و زندگی روستایی دارند، باید در ساختار طبقاتی روستایی به حساب آیند.

«مالکان متوسط» بین یک دوم تا یک ششم زمین‌های روستایی را صاحب هستند. تعدادی از این افراد، همسران بزرگ مالکان سابق هستند که در اثر فوت همسر، زمین بین آنان و فرزندان‌شان تقسیم شده. تعدادی از آن‌ها شهرداری هستند که زمینی در منطقه روستایی خریداری کرده‌اند به این امید که به عنوان پشتوانه‌ای باشد و در آینده با بالا رفتن قیمت زمین‌ها به ثروتی دست یابند (البته این امر بیشتر در مورد زمین‌های روستاهای حاشیه شهرها صدق می‌کند). اینان به زمین بیشتر به صورت یک کالا نگاه می‌کنند.

آنان که در روستاها، زمینی کمتر از یک دانگ (یک ششم) روستا را در تملک داشته باشند، خرده مالک محسوب می‌شوند. تعدادی از این افراد، «خرده مالک حاضر» هستند که در روستا زندگی می‌کنند و بنا به عللی زمین‌ها را خود کشت نمی‌کنند و آن‌ها را به دیگران جهت کشت واگذار می‌کنند (به شکل‌های سهم بری یا اجاره داری). اما تعدادی از خرده مالکان به صورت «خرده مالکان غایب» هستند که اهل روستا بوده و مهاجرت کرده‌اند و یا اصولاً ساکنان شهرها هستند و بر مبنای علل متفاوتی، زمین در روستا به دست آورده‌اند. این افراد زمین‌های خود را یا به دیگران جهت کشت واگذار می‌کنند و یا اصولاً آن‌ها را بدون کشت رها می‌کنند که در واقع ضررهای شدیدی به بخش کشاورزی وارد می‌کنند. کلا این نوع مالکان علاقه‌ای به بالا بردن کیفیت زمین خود ندارند و از طرف دیگر، کشاورزانی که بر روی آن‌ها کار می‌کنند، تمایلی به سرمایه گذاری جهت افزایش کیفیت زمین ندارند، زیرا از ادامه در اختیار داشتن زمین در سال‌های بعدی اطمینان ندارند. گرچه خرده مالکان غایب در روستاها زندگی نمی‌کنند، اما به علت تعداد قابل ملاحظه آنها و تأثیری که بر ساختار روستایی دارند، باید جزو طبقات روستایی به حساب آیند.

## سه‌م بران روستایی

اصولاً سه‌م بر به کسی گفته می‌شود که در مقابل به دست آوردن بخشی از وسیله تولید، خود نیز قسمتی از وسایل جزئی مورد نیاز را عرضه می‌کند و در مقابل آن، سهمی از محصول را به عنوان حاصل کار خویش دریافت می‌دارد. سه‌م بر چون مستقیماً در فرآیند تولید دخالت دارد، پس تولیدکننده ارزش اضافی نیز است. در جامعه روستایی ایران، ما با ۴ قشر متفاوت سه‌م بر رو به رو هستیم که در زمینه‌های متفاوتی مشغول تولید هستند: ۱- زارعان؛ ۲- نیمه کاران؛ ۳- صنعتگران سه‌م بر؛ ۴- خدمات‌تجیان سه‌م بر.

در میان سه‌م بران روستایی، «زارعان» از همه مهم تر هستند. اینان در زمین مالکان به تولید کشاورزی مشغول هستند. معمولاً سایر وسایل تولیدی متعلق به آنهاست و بر اساس این که کدام یک از عوامل پنجگانه تولیدی را عرضه کنند، یک سه‌م از ۵ سهم محصول را به خود اختصاص می‌دهند. البته این فرمول، عرف نظام سه‌م بری است، اما در عمل، این که اعمال نفوذ مالک تا چه اندازه باشد و وابستگی زارع به زمین چه مقدار باشد، سهم مالک متغیر است. در بسیاری مناطق، مالک فقط زمین را عرضه می‌کند و صرفاً یک پنجم محصول را دریافت می‌کند. در حالی که در برخی نقاط دیگر، با ارایه همین یک عامل، مالک تا یک دوم محصول را به خود اختصاص می‌دهد.

آن دسته از سه‌م برانی که از زمین مالکان استفاده می‌کنند و بقیه عوامل تولید با خودشان است و در مقابل، نیمی از محصول را به مالک می‌دهند، به «نیمه کاران» معروف هستند. در این نوع سه‌م بری، اگر محصول آبی باشد، عرضه آب با مالک است و اگر محصول دیم باشد، باز هم در سه‌م محصول تفاوتی نمی‌کند و سهم بر باید نصف محصول را به مالک بدهد. اصولاً میزان استثمار سه‌م بر در نظام نیمه کاری بیشتر از نظام مزارعه است چون در مزارعه با ارایه هر عامل تولید، توسط سه‌م بر یک سهم به سهام زارع اضافه می‌گردد. در ایران به علت وجود گسترده خرده مالکان غایب، نظام نیمه کاری بسیار رواج دارد.

دسته دیگر از سه‌م بران روستایی، «صنعت گران سه‌م بر» هستند که در مقابل دریافت وسایل کار صنعتی، به تولید محصولات صنعتی مشغول و با صاحب کارگاه به طور قطعه‌ای در تولید محصول شریک هستند. این امر بدان معنی است که کالا با دریافت دارقالی و ریسمان و

نخ لازم، صنعتگر به تولید قالی مشغول است و در پایان هر دوره تولیدی، نیمی از قالی‌های بافته شده (یا هر سهمی که قبلاً مشخص شده است) به قالیباف و مابقی به صاحب کارگاه و مواد تعلق می‌گیرد. در میان این گروه اقتصادی-اجتماعی در روستاهای ایران، متأسفانه تعداد زیادی کودکان زیر سن کار ملاحظه می‌گردد که مورد استثمار مضاعف صاحبان کارگاه‌های صنعتی روستایی واقع می‌گردند.

بالاخره باید از «خدماتچیان سهم بر» در جامعه روستایی نام برد. این سهم بران با در دست داشتن وسایل و ابزار خدماتی صاحب ابزار، در مقابل خدماتی که ارائه می‌دهند، در صدی از پول به دست آمده را برداشته، و مابقی را به مالک ابزار و وسایل، تحویل می‌دهند. البته در اینجا باید متذکر شد که عمده خدماتچیان در روستاها یا خدماتچیان مستقل هستند و یا کارگران خدماتی هستند و اما در ایران تعداد خدماتچیان سهم بر، به نسبت، کمتر از دو نوع دیگر خدماتچی است. اما قدر مسلم این است که با گذشت زمان، همچون شهرها، تعداد خدماتچیان سهم بر افزایش می‌یابد.

### مستأجران روستایی

مستأجر به کسی گفته می‌شود که ابزار و وسایل تولیدی و یا به طور کلی اقتصادی را اجاره کرده و در مقابل، اجاره بها می‌پردازد. در جامعه روستایی ایران از قدیم الایام اعضای این طبقه اجتماعی در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی وجود داشته‌اند. مستأجران روستایی معمولاً خود در فرآیند تولید شرکت می‌کنند و در مواردی از اعضای خانوار و یا در حد محدود از کارگران روستایی استفاده می‌کنند. در جامعه روستایی ایران، ۴ قشر مختلف و کاملاً متفاوت از مستأجران را می‌توان تشخیص داد: ۱- کشاورزان مستأجر؛ ۲- تلمبه داران؛ ۳- صنعتگران مستأجر؛ ۴- خدماتچیان مستأجر.

در ساختار طبقه بندی روستاییان ایران، «کشاورزان مستأجر» آن‌هایی هستند که قطعه زمینی را از مالکان و خرده مالکان اجاره می‌کنند و در مقابل، اجاره بهای ثابتی را پرداخت می‌نمایند. به علت زیاد بودن تعداد خرده مالکان غایب در ایران، تعداد کشاورزان مستأجر هم قابل توجه است. مستأجران معمولاً مالک همه ابزار و وسایل تولیدی (به جز زمین) خود هستند و چون



مقدار اجاره‌بها از قبل مشخص است، معمولاً برعکس زارعان، تلاش می‌کنند تا سطح تولید را بالا ببرند، زیرا با افزایش تولید بر میزان منفعت خود می‌افزایند و مالک نمی‌تواند سهم بیشتری را طلب نماید. تقریباً اکثر کشاورزانی را که در زمین‌ها و باغات وقفی به تولید مشغولند می‌توان در این قشر اجتماعی قرار داد چون بابت استفاده از زمین به متولی اجاره می‌پردازند.

پس از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، یک قشر کشاورز اجاره دار متفاوت از شکل متعارف کشاورزی اجاره داری به وجود آمد به نام «تلمبه داران». تلمبه داران کسانی هستند که زمین را از مالکان اجاره می‌کنند و با حفر چاه و نصب تلمبه آب، به تولید کشاورزی و به ویژه محصولات صیفی مشغولند. برخی مواقع حفر چاه و نصب تلمبه با شخص ثالثی است که البته در تعیین کشت دخالت می‌کند. تلمبه داران معمولاً برای بازار تولید می‌کنند و بسیاری از هنجارهای واحدهای کشاورزی سرمایه داری را بکار می‌گیرند. به علت نوع تولید و کشت محصولات کاربر، اغلب مجبور به اجیر نمودن کارگران روزمزد روستایی هستند.

در میان مستأجران روستایی، قشر خاصی ملاحظه می‌گردد که ابزار و وسایل صنعتی دیگران را در روستا اجاره می‌کنند و به تولید صنایع روستایی مشغولند. در واقع به علت مهاجرت‌های مختلف، «صنعتگران مستأجر روستایی» در حال رشد هستند، زیرا عده‌ای که در روستاها صاحبان واحدهای صنعتی هستند، پس از مدتی به دلایل مختلف به شهرها مهاجرت می‌کنند و در شرایطی خاص واحد صنعتی خود را به سایرین اجاره می‌دهند. به دیگر سخن در یک فرآیند بسیار ظریف، صنعتگران مستقل روستایی جای خود را به صنعتگران مستأجر روستایی می‌دهند. تحت شرایطی خاص، صنعتگران مستأجر به صنعتگران مستقل روستایی تبدیل می‌شوند.

بالاخره در جامعه روستایی ایران، قشری را می‌توان تشخیص داد که واحد اقتصادی کوچکی را اجاره نموده و به عرضه خدمات به روستاییان مشغول است. مالک واحد اقتصادی می‌تواند هم روستاییان باشند و هم افراد ساکن شهرها. در سال‌های اخیر دیده شده است که برخی از وسایل نقلیه روستا و شهر متعلق به شخص غیر راننده است و راننده تنها یک مستأجر خدماتی است. روستاییان به تدریج همچون شهریان به محاسن اجاره نمودن ابزار و وسایل خدماتی پی برده‌اند و این فرآیند در روستاها در حال رشد است.

## چند پایگاهی‌ها<sup>۱</sup>

آن چه در جامعه روستایی ایران در زمینه قشربندی اجتماعی پدیده‌ای نوین جلوه می‌کند، وجود پایگاه‌های چندگانه است که در واقع از ترکیب دو یا چند پایگاه طبقاتی و جمع آن در موقعیت یک فرد ایجاد شده است. بنا به دلایل مختلف، افراد، یا تحت فشار برای اشغال بیش از یک پایگاه طبقاتی هستند زیرا یک پایگاه اجتماعی زندگانی آن‌ها را نمی‌چرخاند و کفاف هزینه‌های روزمره را نمی‌کند، و یا این که در رقابت‌های کاذبی قرار گرفته‌اند و در واقع برای بالا کشیدن خود از پلکان اجتماعی عجله دارند. در هر دو صورت، روستایی یا در چارچوب پایگاه‌های اجتماعی موجود در روستا عمل می‌کند و خود را درگیر بیش از یک پایگاه می‌نماید، و یا حتی پایگاه‌های روستایی و شهری را با یکدیگر ترکیب می‌نماید و در نتیجه تحلیل قشربندی اجتماعی را با مشکل رو به رو می‌نماید.

## شبه طبقات روستایی

در جامعه روستایی ایران، گروه‌هایی وجود دارند که آن‌ها را نمی‌توان در طرح طبقاتی جای داد. از مهم‌ترین این گروه‌های اجتماعی، «وابستگان» و «انگل‌ها» هستند. «وابستگان روستایی» افرادی هستند که گذران زندگانی آن‌ها وابسته به دستگیری اعضای خانوار، خویشاوندان و یا مؤسسات خیریه و برنامه‌های دولتی است.

عده‌ای از این وابستگان، در واقع به کمک افراد خانواده خود وابسته هستند و در یک طیف وسیع می‌توان آن‌ها را قرار داد. در یک سر این طیف در واقع اینان دریافت کنندگان قوت لایموت هستند و در سر دیگر طیف به علت کمک‌های مالی سنگین فرزندان، از موقعیت مالی بسیار خوبی در روستاها برخوردار هستند. برخی مواقع، افراد، وابسته به کمک دوستان و خویشاوندان هستند که در این صورت کمک‌ها هم چندان زیاد نیستند و طرف را از در غلطیدن به فقر نجات می‌دهد و بالاخره باید افرادی را در نظر گرفت که در چارچوب کمک‌های دولتی همچون «طرح رجایی»، مبلغی را به عنوان کمک دریافت می‌کنند که این

کمک در حد رفع نیازهای بسیار اولیه است و برخی مواقع کفاف هزینه‌های عادی زندگی را هم نمی‌دهد.

متأسفانه در روستاهای ایران ما با گروهی رو به رو هستیم که در واقع «انگل‌های روستایی» هستند. اینان افرادی کاملاً تن پرور و تنبل هستند که از طرق مختلف همچون انگل‌هایی بر زندگی روستاییان چسبیده و ماحصل زندگی آن‌ها را می‌مکند و انگل‌های روستایی نه تنها از لحاظ اقتصادی به روستاییان لطمه وارد می‌کنند بلکه به لحاظ فرهنگی نیز برای روستاییان خطر محسوب می‌شوند. انگل‌ها دست به هر کاری در روستاها می‌زنند و سلامتی روستاها را به خطر انداخته‌اند و متأسفانه به علت عدم وجود یک نهاد کنترل محلی قاطع در روستاها، این افراد از چنین خلأیی سوء استفاده می‌کنند و چشم به مال و جان روستاییان دارند. برخی از انگل‌ها به دزدی، عده‌ای به گدایی و محدودی هم به باج‌گیری در روستاها مشغولند. هنگام انجام چنین اعمالی، ممکن است ارتکاب به جرم هم نمایند (لهسایی زاده، ۱۳۸۲).

### طبقات و اقشار اجتماعی در روستاهای استان فارس

بر پایه سنجش‌های عینی طبقاتی بحث شده و طرح و الگوی قشربندی موجود در روستاهای ایران، تعداد ۲۵ روستا از نقاط مختلف استان انتخاب و مورد بررسی‌های میدانی و پیمایشی قرار گرفت. در میان این روستاها، سعی شده تا بیشتر روستاهای توسعه یافته مد نظر قرار گیرد تا حاوی اشکال مختلف طبقات و اقشار روستایی باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در رابطه با طبقه تولیدکنندگان مستقل روستایی، اغلب روستاها دارای افراد در اقشار چهارگانه این طبقه است و این امر نشانگر اهمیت این طبقه در روستاهای استان است. یکی از علل عمده آن انجام اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ و توزیع محدود زمین پس از انقلاب در استان فارس است.

دومین طبقه‌ای که به صورت گسترده در روستاهای استان فارس حضور دارد طبقه کارگران روستایی است. که اقشار مختلف آن دیده می‌شوند. یکی از علل اصلی آن است، اولاً: این طبقه قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ وجود داشته، و اصلاحات ارضی بر گسترش آن دامن زد. ثانیاً: پس از انقلاب به علت خرد شدن زمین‌های کشاورزی (در اثر مکانیزم‌های مختلف) و از صرفه خارج شدن زمین‌ها، بر تعداد اعضای این طبقه افزوده شد.

سومین طبقه‌ای که حضور نسبتاً چشمگیری در روستاهای استان فارس دارد طبقه زمین‌داران است. زمین‌داران استان فارس تعدادشان زیاد است زیرا استان فارس قبل از اصلاحات ارضی یکی از استان‌هایی با تعداد زیاد زمین‌دار بوده است و وارث آن زمین‌داران پس از اصلاحات ارضی اصرار در نگهداری زمین‌هایشان داشته‌اند. از سوی دیگر این استان همیشه تعداد زیادی خرده زمیندار غایب داشته که همگی اصرار بر نگهداری زمین‌هایشان دارند.

طبقه سرمایه‌دار حضور بسیار کم‌رنگی در روستاهای استان فارس دارند. در روستاهایی هم که این طبقه وجود دارد بیشتر قشر دهقانان سرمایه‌دار هستند که به علت خرید زمین‌های کشاورزان فقیر به این طبقه تبدیل شده‌اند. همچنین سرمایه‌داران خدماتی و صنعتی حضور فعالی در روستاهای استان ندارند. طبقات سهم‌بران و مستاجران تا حدودی هنوز در استان فارس حضور دارند. زیرا این استان از یک سو تعداد زیادی خرده مالک غایب و از سوی دیگر میزان بالایی مهاجرت از روستا به شهر دارد. و افرادی که صاحب واحدهای صنعتی و خدماتی در روستاها هستند، واحدها را به اجاره و سهم‌بری به ساکنان در روستاها می‌دهند.

سرپرستان روستایی به علت گسترش واحدهای خدماتی دولتی در روستاها به طور پراکنده حضور دارند. استخدام کنندگان محدود هم در حد محدودی حضور دارند. زیرا افراد بیشتر سعی می‌کنند زمین‌های خودشان را با کمک اعضای خانواده کشت و زرع نمایند. ضمناً واحدهای کشاورزی آنقدر گسترده نیستند که افراد استخدامی داشته باشند.

بالاخره باید از چند پایگاهی‌ها صحبت به میان آید. تقریباً می‌توان گفت که اغلب روستاهای استان فارس تعداد زیادی چند پایگاهی دارند که این علت داخلی و خارجی دارد. در رابطه با علت داخلی هزینه زندگی کفاف معیشت را نمی‌کند لذا روستائیان مجبورند در چند شغل مشغول به کار باشند. از طرف دیگر در رابطه با عوامل خارجی، روستائیان (به ویژه آنهایی که نزدیک به شهرها هستند) به راحتی ساعاتی از روز، روزهایی از هفته و ماه را به شهرها می‌آیند و سعی می‌کنند در رابطه با فعالیت‌های شهری درآمدی داشته باشند.

در خاتمه باید خاطر نشان کرد که در استان فارس وابستگان روستایی قابل توجه هستند، زیرا بسیاری از افراد روستایی که به شهرها و کشورهای حوزه جنوب خلیج فارس مهاجرت

کرده‌اند، افراد زیادی را در روستاها دارند که این افراد به لحاظ مالی به آنها وابسته هستند و در نتیجه مرتباً از بیرون روستا منابع مالی داخل روستا تامین می‌شود.

### جدول ۲- وضعیت طبقاتی روستاهای منتخب استان فارس پس از انقلاب

طبقات اجتماعی	نام روستا	ماصرم سفلی	جزین	دولت آباد کربال	رحمت آباد کمین	حسن آباد
چند پایگاهی‌ها		*	*	*		
	دامداران مستقل	*			*	*
	تولیدکنندگان مستقل روستایی	*	*	*	*	*
مستأجران روستایی	اهل حرفه یا صنعتگران روستایی	*			*	*
	دهقانان مستقل	*			*	*
	خدماتچیان مستأجر					*
	صنعتگران مستأجر					*
سهم بران روستایی	تلمبه داران				*	*
	کشاورزان مستأجر	*	*		*	*
	خدماتچیان سهم بر				*	
کارگران روستایی	صنعتگران سهم بر				*	
	نیمه کاران				*	*
	زارعان	*		*	*	*
	کارگران بی مزد خانوادگی	*		*	*	*
سرپرستان روستایی	کارگران خدماتی	*	*		*	*
	کارگران صنعتی	*		*	*	*
	کارگران کشاورزی	*		*	*	*
استخدام کنندگان محدود روستایی	کارمندان	*				*
	کارشناسان					*
	مدیران واحد صنعتی و یا خدماتی					*
زمین داران روستایی	مدیران واحدهای کشاورزی					*
	دامداران استخدام کننده	*			*	*
	خدماتچیان استخدام کننده				*	*
	صنعتگران استخدام کننده	*		*	*	*
سرمایه داران روستایی	دهقانان استخدام کننده	*		*	*	*
	خرده مالکان غایب	*			*	*
	خرده مالکان حاضر	*	*		*	*
	مالکان متوسط	*		*	*	*
جمعیت روستا	عمده مالکان	*		*	*	*
	سرمایه داران خدماتی			*	*	*
	سرمایه داران صنعتی			*	*	*
	سرمایه داران کشاورزی	*	*	*	*	*
	دهقانان سرمایه دار	*		*	*	*
۱۹۲۸	۱۱۱	۱۰۶۹	۶۳۹	۴۳۳		

## ادامه جدول ۲- وضعیت طبقاتی روستاهای منتخب استان فارس پس از انقلاب

طبقات اجتماعی	نام روستا				
	اقشار	کهرزرد	رضا آباد	تنگ قیر	ریچی
چند پایگاهی‌ها			*		*
تولید کنندگان مستقل روستایی	دامداران مستقل	*	*	*	*
	خدماتیچیان مستقل	*	*	*	*
	اهل حرف یا صنعتگران روستایی	*	*	*	*
مستأجران روستایی	دهقانان مستقل	*	*	*	*
	خدماتیچیان مستأجر				
	صنعتگران مستأجر			*	
	تلمبه داران		*	*	*
سهم بران روستایی	کشاورزان مستأجر	*	*	*	*
	خدماتیچیان سهم بر				
	صنعتگران سهم بر				
	نیمه کاران		*		
کارگران روستایی	زارعان				*
	کارگران بی مزد خانوادگی	*	*	*	*
	کارگران خدماتی	*	*	*	*
	کارگران صنعتی	*	*	*	*
سرپرستان روستایی	کارگران کشاورزی	*	*	*	*
	کارمندان			*	
	کارشناسان		*		
	مدیران واحد صنعتی و یا خدماتی				
استخدام کنندگان محدود روستایی	مدیران واحدهای کشاورزی				
	دامداران استخدام کننده	*			*
	خدماتیچیان استخدام کننده			*	
زمین داران روستایی	صنعتگران استخدام کننده	*			*
	دهقانان استخدام کننده				*
	خرده مالکان غایب				*
	خرده مالکان حاضر	*	*	*	*
سرمایه داران روستایی	مالکان متوسط				*
	عمده مالکان				
	سرمایه داران خدماتی				
	سرمایه داران صنعتی				
جمعیت روستا	سرمایه داران کشاورزی				
	دهقانان سرمایه دار				
۳۹۰	۴۳۹	۱۹۵	۵۳۷	۳۵۴	

## ادامه جدول ۲- وضعیت طبقاتی روستاهای منتخب استان فارس پس از انقلاب

طبقات اجتماعی	نام روستا	اوشار	اوزن دره	تل زری	آب انار	دارنگون	سبز آباد				
چند پایگاهی‌ها			*		*	*					
تولیدکنندگان مستقل روستایی	دامداران مستقل		*	*			*				
	خدماتچیان مستقل		*	*	*	*	*				
	اهل حِرَف یا صنعتگران روستایی		*	*	*	*	*				
	دهقانان مستقل		*	*	*	*	*				
مستأجران روستایی	خدماتچیان مستأجر										
	صنعتگران مستأجر										
	تلمبه داران				*						
	کشاورزان مستأجر				*	*	*				
سهم بران روستایی	خدماتچیان سهم بر										
	صنعتگران سهم بر										
	نیمه کاران				*	*					
	زارعان			*	*		*				
کارگران روستایی	کارگران بی مزد خانوادگی		*				*				
	کارگران خدماتی					*	*				
	کارگران صنعتی		*			*	*				
	کارگران کشاورزی		*	*	*	*	*				
سرپرستان روستایی	کارمندان		*	*	*	*	*				
	کارشناسان		*	*	*						
	مدیران واحد صنعتی و یا خدماتی		*	*	*	*	*				
	مدیران واحدهای کشاورزی		*	*	*	*	*				
استخدام کنندگان محدود روستایی	دامداران استخدام کننده										
	خدماتچیان استخدام کننده										
	صنعتگران استخدام کننده										
	دهقانان استخدام کننده				*						
زمین داران روستایی	خرده مالکان غایب		*				*				
	خرده مالکان حاضر		*	*	*	*	*				
	مالکان متوسط		*	*	*	*	*				
	عمده مالکان		*	*	*	*	*				
سرمایه داران روستایی	سرمایه داران خدماتی										
	سرمایه داران صنعتی										
	سرمایه داران کشاورزی				*						
	دهقانان سرمایه دار			*							
<b>جمعیت روستا</b>							۲۳۷	۶۲۶	۱۷۷	۲۶۴	۱۵۴

## ادامه جدول ۲- وضعیت طبقاتی روستاهای منتخب استان فارس پس از انقلاب

مقایری	باغان	سعادت آباد	چشمه زیتون	بگدانه	نام روستا	طبقات اجتماعی
					اقتدار	
	*	*				چند پایگاهی‌ها
*	*	*	*	*	دامداران مستقل	تولید کنندگان مستقل روستایی
*	*	*	*	*	خدمات‌تجیان مستقل	
	*	*			اهل حرفه یا صنعتگران روستایی	
*	*	*	*	*	دهقانان مستقل	مستأجران روستایی
*		*	*		خدمات‌تجیان مستأجر	
					صنعتگران مستأجر	
		*			تلمبه داران	
*	*	*	*	*	کشاورزان مستأجر	سهم بران روستایی
			*		خدمات‌تجیان سهم بر	
					صنعتگران سهم بر	
		*	*	*	نیمه کاران	کارگران روستایی
*		*	*	*	زارعان	
*	*	*	*	*	کارگران بی مزد خانوادگی	
	*	*	*	*	کارگران خدماتی	کارگران روستایی
	*	*			کارگران صنعتی	
*	*		*	*	کارگران کشاورزی	
*	*	*		*	کارمندان	سرپرستان روستایی
		*			کارشناسان	
		*			مدیران واحد صنعتی و یا خدماتی	
					مدیران واحدهای کشاورزی	
*				*	دامداران استخدام کننده	استخدام کنندگان محدود روستایی
			*		خدمات‌تجیان استخدام کننده	
					صنعتگران استخدام کننده	
*			*	*	دهقانان استخدام کننده	زمین داران روستایی
*		*		*	خرده مالکان غایب	
*		*	*	*	خرده مالکان حاضر	
		*	*		مالکان متوسط	
					عمده مالکان	سرمایه داران روستایی
					سرمایه داران خدماتی	
		*			سرمایه داران صنعتی	
		*			سرمایه داران کشاورزی	
		*			دهقانان سرمایه دار	
۲۶۰	۴۹۲	۷۹۸	۲۶۳	۸۰۰	جمعیت روستا	



ادامه جدول ۲- وضعیت طبقاتی روستاهای منتخب استان فارس پس از انقلاب فارس

طبقات اجتماعی	نام روستا		صدر آباد	لامیجی	کهکوه	گودرزشک	فرشته جان
	اقشار						
چند پایگاهی‌ها			*				
تولیدکنندگان مستقل روستایی		دامداران مستقل	*	*	*	*	*
		خدماتچیان مستقل	*	*	*	*	*
		اهل حرف یا صنعتگران روستایی	*	*	*	*	*
مستأجران روستایی		دهقانان مستقل	*	*	*	*	*
		خدماتچیان مستأجر				*	
		صنعتگران مستأجر				*	
		تلمبه داران				*	
سهام بران روستایی		کشاورزان مستأجر	*		*	*	*
		خدماتچیان سهم بر		*			
		صنعتگران سهم بر		*			
کارگران روستایی		نیمه کاران			*		*
		زارعان			*		*
		کارگران بی مزد خانوادگی		*	*	*	*
		کارگران خدماتی		*	*	*	*
سرپرستان روستایی		کارگران صنعتی		*	*	*	*
		کارگران کشاورزی	*	*	*	*	*
		کارمندان			*		*
		کارشناسان			*		
استخدام کنندگان محدود روستایی		مدیران واحد صنعتی و یا خدماتی			*		
		مدیران واحدهای کشاورزی					
		دامداران استخدام کننده	*	*	*	*	*
زمین داران روستایی		خدماتچیان استخدام کننده		*	*		
		صنعتگران استخدام کننده		*	*		
		دهقانان استخدام کننده	*	*	*	*	*
		خرده مالکان غایب				*	
سرمایه داران روستایی		خرده مالکان حاضر			*		
		مالکان متوسط			*		
		عمده مالکان			*	*	
		سرمایه داران خدماتی					
جمعیت روستا		سرمایه داران صنعتی					
		سرمایه داران کشاورزی					
		دهقانان سرمایه دار	*		*		*
			۴۰۰	۲۹۲	۳۷۳	۲۶۳	۶۰۱

### جدول ۳- خلاصه وضعیت طبقاتی روستاهای استان فارس پس از انقلاب

طبقات		اقتشار		اقتشار طبقات اجتماعی
درصد	تعداد نفرات	درصد	تعداد نفرات	
۵/۲۳	۱۹	۳/۰۳	۱۱	دهقانان سرمایه دار
		۱/۳۷	۵	سرمایه داران کشاورزی
		۰/۲۷	۱	سرمایه داران صنعتی
		۰/۵۵	۲	سرمایه داران خدماتی
۸/۲۶	۳۰	۰/۵۵	۲	مدیران واحدهای کشاورزی
		۱/۱۰	۴	مدیران واحدهای صنعتی و یا خدماتی
		۱/۶۵	۶	کارشناسان
		۴/۹۵	۱۸	کارمندان
۲۰/۹۳	۷۶	۶/۶۱	۲۴	کارگران کشاورزی
		۳/۰۳	۱۱	کارگران صنعتی
		۵/۵۰	۲۰	کارگران خدماتی
		۵/۷۸	۲۱	کارگران بی مزد خانوادگی
۱۴/۶۰	۵۳	۱/۶۵	۶	عمده مالکان
		۴/۱۳	۱۵	مالکان متوسط
		۵/۷۸	۲۱	خرده مالکان حاضر
		۳/۰۳	۱۱	خرده مالکان غایب
۸/۲۶	۳۰	۴/۴۰	۱۶	زارعان
		۲/۷۵	۱۰	نیمه کاران
		۰/۸۲	۳	صنعتگران سهم بر
		۰/۲۷	۱	خدماتچیان سهم بر
۱۰/۱۹	۳۷	۴/۱۳	۱۵	دهقانان استخدام کننده
		۱/۳۷	۵	صنعتگران استخدام کننده
		۱/۳۷	۵	خدماتچیان استخدام کننده
		۳/۳۰	۱۲	دامداران استخدام کننده
۲۳/۴۱	۸۵	۶/۶۱	۲۴	دهقانان مستقل
		۴/۴۰	۱۶	اهل حِرَف یا صنعتگران روستایی
		۶/۳۳	۲۳	خدماتچیان مستقل
		۶/۰۶	۲۲	دامداران مستقل
۹/۰۹	۳۳	۵/۵۰	۲۰	کشاورزان مستأجر
		۱/۹۲	۷	تلمبه داران
		۰/۲۷	۱	صنعتگران مستأجر
		۱/۳۷	۵	خدماتچیان مستأجر
۱۰۰	۳۶۳	۱۰۰	۳۶۳	جمع کل

## نتیجه گیری

بررسی قشربندی اجتماعی یکی از اهداف اصلی جامعه شناسی روستایی است. مهمترین هدف در پژوهش انجام شده بررسی طبقه اجتماعی و به عبارتی پاسخ به سؤال چه کسی چه کاره است؟ می باشد. اگرچه ممکن است در اولین نگاه این گونه به نظر برسد که همه ساکنان روستا وضعیتی یکسان دارند، ولی به واقع زمانی که به صورت موشکافانه به بررسی ساختار اجتماعی روستاها می پردازیم پی می بریم که روستا نیز همچون شهر دارای طبقه بندی اجتماعی خاص خود است. بررسی های تحقیق حاضر نشان داده است که سه طبقه در روستاهای استان فارس از همه گسترده تر و مهم تر جلوه می کنند. این طبقات عبارتند از: طبقه تولیدکنندگان مستقل، طبقه کارگران روستایی و طبقه زمینداران. اگرچه روابط سرمایه داری در سطح بسیار وسیعی جوامع روستایی را دربر گرفته است اما این طبقه هنوز در روستاهای ایران از اهمیت چندانی برخوردار نیست. در مقابل طبقه کارگر در سطح بسیار وسیعی در ساختار طبقاتی روستایی استان حضور دارد و این امر لزوماً به معنی وجود سرمایه داران در سطح گسترده در روستاهای استان نیست.

هنوز طبقات سهم بر و مستأجر در روستاهای استان حضور دارند و این به معنی همجواری نظام های سنتی و نظام های انتقالی در این استان است. طبقه زمینداران در این استان هنوز حضور فعال دارد و روستاها شدیداً تحت تأثیر این طبقه است؛ گرچه اندازه زمین های این افراد زیاد نیست اما تعدادشان قابل توجه است، به ویژه خرده مالکان غایب. بالاخره اینکه حضور وابستگان در روستاهای این استان قابل توجه است که عمدتاً به علت مهاجرت های داخلی و خارجی است.

## منابع

- ۱- اشرف، احمد (۱۳۶۱)، «دهقانان، زمین و انقلاب»، در مجموعه کتاب آگاه، مسایل ارضی و دهقانی ایران و خاورمیانه، تهران: آگاه.
- ۲- طالب، مهدی و موسی عنبری (۱۳۸۷)، جامعه شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۳- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲)، *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، شیراز: نوید، چاپ دوم.

۴- لهسایی زاده، عبدالعلی و عبدالنبی سلامی (۱۳۸۰)، *تاریخ و فرهنگ مردم دوان*، شیراز: نوید، چاپ دوم.

5- Hooglund, Erik J., 1982, *Land and Revolution in Iran, 1960-1980*, Austin: University of Texas Press.

6- [Http://fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org)

7- [Http://www.asriran.com/](http://www.asriran.com/)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی